



تحلیل روابط سیاسی جمهوری اسلامی

چارچوب غیر قابل نفوذ سیاست خارجی ایران

گفت و گوی ماهنامه اقتصاد ایران با آقای علیرضا شیخ عطار، قائم مقام وزیر امور خارجه

آقای علیرضا شیخ عطار که اخیراً به سمت قائم مقام وزیر امور خارجه انتخاب شده، در فاصله سال‌های ۵۹ تا ۶۴ در پست‌های مهمی چون استاندار کردستان و آذربایجان غربی فعالیت داشته است. پس از آن، معاونت وزارت صنایع را بر عهده گرفته و مدتی نیز مشاور وزیر امور خارجه و در آستانه فروپاشی شوروی، مسئولیت کشورهای مشترک المنافع (CIS) را به عهده داشته است. وی همچنین به عنوان سفیر ایران در هندوستان حضور داشته و تجربه مدیریت روزنامه همشهری را در سابقه فعالیت‌های خود به ثبت رسانده است.

شعار "نه شرقی، نه غربی" به معنای نفی سلطه شرق و غرب بر کشور است. در واقع، ما می‌خواهیم انحصار شرکت‌های غربی را بشکنیم و منابع تأمین کالا، تکنولوژی و سرمایه را گسترده کنیم. حتی در چند سال اخیر، مراداتی با آفریقا و آمریکای لاتین داشته‌ایم. اما همان‌طور که می‌دانید، چین رکورددار رشد اقتصادی است و حضور این کشور در بازارهای جهانی، روزبه‌روز در حال افزایش است. این موضوع فقط مختص به واردات کالا و پوشاک از چین نیست. ایران در سال گذشته ۲۰ میلیارد دلار مبادلات با چین داشت و تأمین مالی بسیاری از پروژه‌ها در کشور ما توسط چین صورت می‌گیرد. ما صادرات قابل توجهی به چین داریم و در زمینه تأمین مواد اولیه، ساخت نیروگاه و پالایشگاه، همکاری‌هایمان در آینده گسترش خواهد یافت. گروهی معتقد بودند این کشور به تکنولوژی مورد نیاز ما دسترسی ندارد، اما امروزه دیگر چین به یک فرصت برای ما تبدیل شده است.

اقتصاد ایران: آقای شیخ عطار، شما به عنوان یک مقام خبره در حوزه روابط بین‌الملل، علت فشارها و تحریم‌های آمریکا و استمرار آن را در چه می‌بینید؟
آمریکا ما را یک کشور تأثیرگذار و الهام بخش می‌بیند و اتفاقات منطقه و جریان‌های سیاسی اخیر را مغایر گسترش سلطه خود بر منطقه و حتی تمام جهان می‌داند. به عنوان نمونه، کشوری مثل فلسطین را در نظر بگیرید. بعد از انقلاب ایران، مبارزات آنها از ناسیونالیسمی به دینی تغییر یافت. تأثیر ایران بر دیگر کشورها آمریکا را نگران می‌کند. در واقع، این کشور در هر جایی که مختصری دموکراسی ایجاد شده و جریان‌های دین‌گرا روی کار آمده، به توطئه و کارشکنی پرداخته است. تا زمانی که جمهوری اسلامی می‌خواهیم و الهام بخشی اندیشه داریم، آمریکا از ما عصبانی است. ما می‌گوییم آمریکا بخشی از جهان است، نه ارباب دنیا و تا وقتی که سلطه را حق خود می‌داند، رابطه ما با این کشور، رابطه خوبی نخواهد بود.

اقتصاد ایران: آیا در پیش گرفتن این‌گونه سیاست‌ها باعث نمی‌شود هزینه‌های گزافی را متحمل شویم؟ منظورمان هزینه فرصت سیاسی است؟

نژاد و لاریجانی منجر شد - چیست؟ آیا در مقابل روسیه هم باز تعریفی که اشاره کردید را داریم؟
اختلاف بین سران حکومتی ما، حلدسیات غربی‌ها در چارچوب‌های جنجال برانگیز خودشان است. استعفای دکتر لاریجانی، ارتباطی به سفر پوتین به ایران نداشته است. اما در خصوص روابط ایران و روسیه باید بگویم، روسیه بعد از فروپاشی شوروی، ده سال با بحران روبه‌رو بود که آن را بحران هویت تعبیر می‌کنیم. از انقلاب ۱۹۱۷ تا زمان فروپاشی، سودای ابرقدرت بودن، دغدغه اصلی این کشور بود. در دوره استالین و جنگ جهانی دوم، دنیا دو قطبی شد که روسیه یکی از دو قطب مهم آن به شمار می‌رفت، اما پس از چندی، میدان را به نفع آمریکا خالی کرد. در اواخر ریاست جمهوری یلتسین، گروه‌هایی روی کار آمدند که نمی‌خواستند در اختیار آمریکا باشند و از این مسأله رنج می‌بردند. بنابراین، به این نتیجه رسیدند ایران موقعیت سازنده‌ای برای آنها دارد. ایستادگی ایران در مقابل هژمون غرب و وجود مرز مشترک با روسیه، برای روس‌ها یک فرصت به شمار می‌رفت. به این ترتیب، دو کشور به بازبینی روابط پرداختند که ابتدا در بخش اقتصادی نمود یافت. می‌توان گفت ما با روسیه حوزه منافع مشترک بسیاری داریم و آمریکا از این مسأله خشنود نیست. برژینسکی در جایی می‌گوید: "روسیه پس از فروپاشی هم هنوز بزرگ است." روسیه ایده آل برای غرب روسیه تجزیه شده ضعیف و دچار بحران است. به موازات، ایران ایده آل، ایرانی بدون حکومت دینی است که دم از استقلال نزند. ملاقات سران دو کشور، سمبلی از مرادوات طولانی، باثبات و قابل پیش‌بینی بود. اخیراً وضعیت اقتصادی روسیه در حال بهبود است و دلیل آن هم افزایش قیمت نفت می‌باشد. از لحاظ نظامی هم روسیه با ایران مبادلات قابل توجهی دارد و در آینده نزدیک نیز کشورمان روابط خود را با روسیه، به خصوص در بخش انرژی و حمل و نقل افزایش خواهد داد.

اقتصاد ایران: اخیراً کشورمان به سمت شرق و کشورهای مثل چین متمایل شده است. آیا این موضوع با سیاست ما که فرمودید مصداق "نه شرقی، نه غربی" است، منافات ندارد؟

اقتصاد ایران: آقای شیخ عطار، با توجه به تجربیات ارزشمندی که جنابعالی در حوزه تحلیل روابط ایران با سایر کشورها دارید، سیاست خارجی ایران در ۱۶ سال اخیر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
سیاست خارجی کشورمان، چارچوب کلی و مشخصی دارد که دارای اصولی روشن و غیرقابل انعطاف است. این سیاست‌ها در قانون اساسی، تشریح و در میراث امام (ره) هم به نکات ارزشمندی در این خصوص اشاره شده است. بنابراین، روش تصمیم‌گیری ما واضح و ثابت است. البته سیاست‌های خارجی ما تحت تأثیر محیط بین‌المللی نیز قرار داشته و می‌توان گفت امروزه کشورهایی که در جهان مطرح هستند چنین خط مشی‌هایی را در پیش می‌گیرند. شایان توجه است که اصول سیاست ما، قبل و بعد از جنگ تحمیلی هیچ تغییری نکرده و علیرغم فشارهای متعدد، ما مواضع خود را حفظ کرده‌ایم. دنیای غرب تصور می‌کرد با رحلت امام، این چارچوب تغییر کند و این تفکر، ماه‌ها در ذهن آنها وجود داشت. اما پس از مدتی پی بردند در اشتباه بوده‌اند. از طرف دیگر، موضوع جنگ خلیج فارس و حمله عراق به کویت از دیگر مسائلی بود که باعث شد غرب گمان کند، ما یا در کنار صدام می‌ایستیم و یا در کنار آمریکا قرار می‌گیریم. اما ایران راه سومی را در پیش گرفت. این عملکرد نشان می‌دهد که چارچوب سیاست خارجی ما در یک جمله، استقلال و تأثیرناپذیری از اعمال نفوذها است. به علاوه، توجه به دیگر استقلال خواهان در دنیا سرلوحه عملکرد ما است؛ ما سکولار نیستیم و شعار "نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی"، مصداق همین واقعیت است. مهمتر آن که، اسلام مبنای رفتارهای سیاسی ما است. فروپاشی شوروی به عنوان یک رویداد مهم موجب شد ما در حوزه کشورهای CIS فعال شویم و به این ترتیب بعد از آن، رابطه ما با بازماندگان شوروی سابق باز تعریف شد. از طرف دیگر، رابطه ما با اروپا، به خصوص در مورد قضیه سلمان رشدی، موضع‌گیری باثبات ما را در برابر غرب مشخص می‌کند.

اقتصاد ایران: نظر جنابعالی در خصوص سفر پوتین به ایران و ابهامات جهانی در مورد پیشنهاد ایشان - که ظاهراً به اختلاف سلیقه بین آقایان احمدی

ابتدا باید دید چه فرصت سیاسی دیگری برای ما فراهم است که ممکن است با ادامه شیوه فعلی آن را از دست بدهیم؟ ایران تنها کشوری است که حاکمان آن خود را نه به آمریکا بدهکار می‌دانند و نه ترسی دارند تا خود را مجبور به باج دادن بدانند. از سوی دیگر، ایران کشوری است که پارادایم‌های مختلف اندیشه در غرب، نظیر سکولاریزم، نظم نوین جهانی یا نظام سلسله مراتبی در صحنه بین‌المللی را به چالش کشیده است. پس مشکل آمریکا با ما تئوری حاکم بر اندیشه جمهوری اسلامی و به عبارت دیگر، استمرار حیات جمهوری اسلامی است.

آمریکا می‌خواهد ما هویت فکری خودمان را که در واقع، پیوست وجودی ما است کنار بگذاریم و تعامل یا مذاکره اش با ما یک به یک نباشد بلکه مذاکره یک ابرقدرت با یک قدرت درجه چندم باشد. مثلاً در مورد تعلیق غنی‌سازی، آمریکا می‌گوید که چون به ما اعتقاد ندارد، پس ما باید فعالیت‌های علمی و فنی- هسته‌ای را متوقف کنیم. در حالی که ما می‌گوییم هر تصمیم و قضاوتی در مورد آینده فعالیت ما، باید در چارچوب NPT باشد و آژانس مجرای آن باشد. حال آیا تسلیم به خواسته آمریکا فرصت‌سازی است؟ یا به علت نفی روش‌های قانونی تهدید است و کشور را مواجه با خواسته‌های متعدد غیرقانونی در آینده می‌نماید؟ آیا در این صورت، ادامه حیات جمهوری اسلامی به خطر نمی‌افتد؟ اصولاً حدی که باید انعطاف نشان داد، چقدر است؟ و تا کجا اگر عقب بنشینیم، فرصت‌سازی می‌شود؟ تجربه نشان می‌دهد که آمریکا خواهان انعطاف محدود نیست، بلکه توهمات دیگری را در سر می‌پروراند.

اقتصاد ایران: با وجود جریان‌های سیاسی اخیر و تهدیدهای آمریکا، سیاست ما در خاورمیانه چیست؟ ظاهراً در مورد مسئله فلسطین، آقای رییس‌جمهور به فرزاندم اشاره کرده‌اند. ممکن است در این باره توضیح بفرمایید.

در این باره نیز سیاست ما همچنان در فضای آرمان‌های انقلاب و میراث امام است. اسرائیل در منطقه یک اشغالگر است و این اشغال، طبق توطئه‌ای از سوی انگلیس و اعلامیه بالفور ایجاد شده است. صهیونیست‌ها اکثراً از اروپای شرقی به فلسطین آمده‌اند و در یک برنامه ریزی ۳۰ ساله و حتی قبل از اعلامیه بالفور، این کشور را هدف قرار داده‌اند که در نهایت به جنگ و درگیری در این منطقه منجر شده‌اند. اگر امروز به این اقدام اسرائیل مشروعیت دهیم، در دیگر نقاط هم شاهد آن خواهیم بود و قانون جنگل برقرار خواهد شد. به علاوه، بیت‌المقدس قبله اول مسلمین به شمار می‌رود و اشغال آن به مثابه تعرض به اسلام است. باید مراقب خطر تئوری صهیونیستی «نیل تا فرات» باشیم، چرا که حضور اسرائیل، امنیت ما را هم به خطر می‌اندازد. آقای رییس‌جمهور، مسئله فرزاندم را مطرح کردند. ما می‌گوییم به مردم فلسطین مراجعه کنید که آیا آنها صهیونیزم می‌خواهند یا نه؟ گفتنی است، تا سال ۲۰۲۰ جمعیت فلسطینی در این کشور غالب خواهد شد و این مسئله اسرائیل را

نگران کرده است. منظور ما از فلسطینی، مسلمانان، مسیحیان و حتی یهودی‌های فلسطینی هستند. ولی حیات اسرائیل در بی‌ثبات کردن منطقه شکل می‌گیرد. هاگانا و اشترن، سازمان‌های تروریستی متعلق به اسرائیل بودند که برای ایجاد ناامنی شکل گرفته‌اند. در واقع، آرامش مقدمه نابودی اسرائیل به شمار می‌رود. ریشه ناامنی در خاورمیانه، سلاح‌های هسته‌ای است و تنها رژیم اسرائیل آن را در دست دارد و در این مسیر، حتی از پشتیبانی آمریکا نیز بهره می‌برد.

اقتصاد ایران: با توجه به حضور آمریکا در عراق و افغانستان و موقعیت حساسی که این دو کشور از نظر جغرافیایی با کشور ما دارند، سیاست کشور ما در دو کشور همسایه چیست؟

این طبیعی است که نقش ما به رابطه فرهنگی - دینی ما با عراق برمی‌گردد. با افغانستان نیز هم‌زمان و هم نژاد هستیم و این کشور در مرزهای فرهنگی ما قرار می‌گیرد. حتی قبل از جنگ افغانستان با عراق، نرخ مهاجرت از این کشور به ایران بالا بوده و روابط ما با این دو کشور در هم تنیده است. در دوران صدام یا اشغال شوروی نیز ایران، مأمن سیاسیون و آزادی خواهان و آوارگان عراقی و افغانی بود. این نکته حایز اهمیت است که آمریکا نمی‌تواند تاریخ و فرهنگ مشترک ما را منکر شود. نقش ایران در سرنگونی صدام غیرقابل انکار است و در آینده هم ایران نقش تثبیت کننده خواهد داشت.

اقتصاد ایران: آقای شیخ عطار، همان طور که مستحضرید کشورمان، همواره مرکز توجه غرب به خصوص آمریکا بود. اخیراً آمریکا دامنه فشارها را گسترش داده و چند بانک مهم و حتی سپاه پاسداران را تحریم کرده است. به نظر شما مکانیزم‌های دفاعی ایران در مقابل این تحریم‌ها چه می‌باشند؟

ابتدا تحریم را تعریف می‌کنیم؛ تحریم از قطع رابطه تا محدود کردن روابط اقتصادی، بانکی، تجاری، نقل و انتقالات بانکی و سرمایه‌گذاری را در برمی‌گیرد و در معنای کنونی آن، عمری طولانی دارد. در طول جنگ جهانی دوم، آلمان و متفقین، چنین تحریم‌هایی را بر یکدیگر اعمال کردند. از نظری دیگر، تحریم سه نوع است: تحریم یک جانبه که تحریم یک کشور توسط کشور دیگر است، تحریم چند جانبه که در خصوص یک کشور توسط دیگر کشورها مطرح می‌شود و تحریم بین‌المللی که با تصویب شورای امنیت سازمان ملل بر علیه یک کشور صورت می‌گیرد. باید بگویم تحریم سپاه پاسداران و بانک‌ها از نوع یکجانبه، یک تحریم غیرقانونی و غیرحقوقی است. اموال بانک متعلق به مردم است و تحریم بانک به نوعی، تحریم مردم به حساب می‌آید. در خصوص تحریم‌های چندجانبه مانند اتحادیه اروپا نیز باید خاطر نشان کنم اقتصاد ما با اروپا در هم تنیده است و بعید به نظر می‌رسد آنها روابط خود را با ایران در سطحی گسترده متوقف کنند. سیستم بانکی ما همچنان به کار خود ادامه می‌دهد. در سال جاری،

ایران در زمینه واردات ۵ درصد و در زمینه صادرات ۸ درصد افزایش داشته است. اقتصاد ما علیرغم فشارهای وارده هنوز پویا است و فشارها تأثیر چندانی بر آن نداشته است. باید یادآوری کنم بانک‌های ما فقط در اروپا متمرکز نیستند و آمریکا به هدفی که می‌خواست، نرسید. در حال حاضر، پروژه‌های ما تأمین مالی شده‌اند. گفتنی است، طی قطعنامه ۱۷۴۷، بانک سپه و چند شرکت انرژی اتمی ایران تحریم شدند. اما با تمهیدات دولت و تعهد بانک‌ها، مشکل حل شد. در خصوص مکانیزم‌های دفاعی نیز نگران نیستیم؛ روابط ما با چین، روسیه و آلمان همچنان حفظ شده است. در ارتباط با تأمین مالی پروژه‌ها، ذخایر ارزی خود را فعال خواهیم کرد. خودکفایی و کاهش وابستگی‌ها در دستور کار ما قرار دارد و بخش خصوصی ما فعال تر شده است. بخش مسکن رونق بیشتری پیدا کرده و جمع سرمایه‌های خارجی در سال ۸۵ نسبت به ۸۴ از ۴/۵ میلیارد دلار به ۱۰/۵ میلیارد رسیده است. در ۶ ماهه اول امسال نزدیک به ۱۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری داشته‌ایم و انتظار می‌رود تا پایان امسال به رقم ۱۵ میلیارد دلار برسیم.

اقتصاد ایران: آیا با ادامه روند کنونی در روابط ایران با آمریکا و فشاری در مواضع و سیاست‌ها از سوی کشورمان، بیم تشدید مناقشات و جنگ وجود نخواهد داشت؟

من معتقدم رفتار آمریکا رفتار جدیدی نیست. جنگ زمانی آغاز می‌شود که یکی از طرفین قدرت بیشتری داشته باشد. بیابید، عناصر قدرت آمریکا را از منظر سه عامل بررسی کنیم: سلطه و کنترل افکار عمومی در سطح جهان (قدرت رسانه‌ای)، ارتش آمریکا (به عنوان قوی‌ترین ارتش جهان) و اقتصاد آمریکا.

ولی هم اکنون از نظر افکار عمومی، آمریکا در بدترین وضعیت خود قرار دارد. سیاست‌مداران برجسته و ورزیده آمریکایی با جنگ مخالفند و وضعیت آمریکا بدتر از زمان عراق و ویتنام است. در ارتش آمریکا هم میزان حضور غیرآمریکایی‌ها و مهاجرین بالا رفته و شهروندان آمریکایی از استخدام در ارتش خودداری می‌کنند. وطن پرستی در این کشور به شدت لطمه دیده و توسعه تاکتیک‌های جنگ غیرمتقارن و تجربه آمریکا در عراق، ارتش این کشور را تضعیف کرده است. از سوی دیگر، وضعیت اقتصاد آمریکا و کاهش ارزش دلار نیز کاملاً مشهود است و ورشکستگی بنگاه‌های اعتبارات مسکن و نشر دلار بدون پشتوانه، به سیاست‌های غلط آمریکا و سوء مدیریت‌ها در این کشور باز می‌گردد.

اقتصاد ایران: آینده مناقشه هسته‌ای را چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟

ایران سعی کرده با مسئله هسته‌ای برخورد منطقی و دنیاسناده‌ای داشته باشد و با ادامه مذاکرات با آژانس، مشروعیت این موضوع، روزه روز بیشتر نمودار می‌شود. نهایتاً غرب ناچار به تجدیدنظر خواهد شد.

اقتصاد ایران: متشکریم. ■